**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**فهرست مطالب :**

[حد خمر 2](#_Toc427885645)

[شرب خمر مسلمان 2](#_Toc427885646)

[انواع مرتد 3](#_Toc427885647)

[مرتد فطری 3](#_Toc427885648)

[اقوال در مرتد 3](#_Toc427885649)

[احکام در انواع ارتداد 3](#_Toc427885650)

[حکم مرتد ملی 4](#_Toc427885651)

[مراد از انکار ضروری 4](#_Toc427885652)

[ارتداد در بین زن و مرد 4](#_Toc427885653)

[مسکر در نزد مسلمین 4](#_Toc427885654)

[لواحق احکام مسکر 5](#_Toc427885655)

[انواع شارب خمر 5](#_Toc427885656)

[حکم شارب مستحل 5](#_Toc427885657)

[اقوال در این مقام 5](#_Toc427885658)

[قول دوم 6](#_Toc427885659)

[مستند قول اول 6](#_Toc427885660)

[روایت اول 6](#_Toc427885661)

[تقریر استدلال فوق 7](#_Toc427885662)

[روایت دوم 7](#_Toc427885663)

[مناقشه در دلیل فوق 8](#_Toc427885664)

[احتمالات در استدلال قدامه 8](#_Toc427885665)

[اتخاذ مبنا 8](#_Toc427885666)

[تأیید نظریه حضرت امام 9](#_Toc427885667)

# حد خمر

# شرب خمر مسلمان

مسئله جدید در قبال شرب خمر مسلمان است، مسلمانی که خمر تناول می‌کند بر دو وجه است، گاهی پس‌ازاین تناول از آن توبه کرده که در این صورت تنها حد بیان‌شده بر او جاری می‌شود و گاهی علاوه بر عدم توبه، انکار النبی از او صادر می‌شود که در این صورت کشته خواهد شد. البته درزمینهٔ ارتداد فطری و ملی او در این زمینه دو نظریه مطرح‌شده است.

**«من شرب الخمر مستحلا لشربها أصلًا و هو مسلم استتیب، فإن تاب أُقیم علیه الحدّ، و إن لم یتب و رجع إنکاره إلی تکذیب النبی (صلّی اللّه علیه و آله) قتل، من غیر فرق بین کونه ملّیاً أو فطریاً، و قیل: حکمه حکم المرتدّ لا یستتاب إذا ولد علی الفطرة، بل یقتل من غیر استتابة»[[1]](#footnote-1)**

## انواع مرتد

مشخص است که مرتد بر دو نوع است؛ فطری و ملی.

## مرتد فطری

مرتد فطری کسی است که در زمان تولد حکم مسلمان را داشته و یکی از پدر یا مادرش حداقل مسلمان بوده است و پس‌ازآن مرتد شده است.

اما اگر پدر و مادرش هر دو مشرک بوده‌اند، او مرتد ملی خواهد شد.

## اقوال در مرتد

در قبال مرتد دو قول وجود دارد، بعضی می‌گویند مرتد کسی است که خدا، پیامبر، اسلام و اصول یا یکی از ضروریات دین را انکار کند، اما در اینکه انکار ضروریات موجب ارتداد می‌شود، در آن دو قول وجود دارد؛ برخی قائل‌اند صرف انکار یکی از ضروریات موجب ارتداد خواهد شد و در طرف مقابل برخی قائل‌اند درصورتی‌که انکار ضروری به انکار نبی خدایا خداوند منجر شود، موجب ارتداد و قتل می‌شود.

## احکام در انواع ارتداد

نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که ملاک در مرتد ملی و فطری، انعقاد نطفه است. حکم و قاعده کلی ارتداد آن‌طور که مشهور بین فقهاست این است که بین مرتد فطری و ملی تفاوت قائل می‌شوند. در مرتد فطری می‌گویند، دیگر استتابه نمی‌شود. همین‌که ارتداد ثابت شد، حکمش قتل است. اگر توبه بکند یا نکند هیچ تفاوتی در قضیه ندارد، حاکم هم مأموریت ندارد که از او بخواهد توبه بکند.

## حکم مرتد ملی

مرتد ملی از او می‌خواهند توبه بکند، اگر توبه نکرد، آن او را می‌کشند. حکم مرتد فطری سخت‌تر از مرتد ملی است.

## مراد از انکار ضروری

در قبال انکار ضروری دو قول وجود دارد، اما نظر امام این است که اگر به انکار نبوت برسد، آنگاه ارتداد او ثابت خواهد شد.

## ارتداد در بین زن و مرد

بین مرتد فطری و ملی در زن و مرد فرق است، در مرد مرتد هم بین مرتد فطری و ملی فرق است. تفاوتش این است که در مرتد فطری استتابه و توبه انجام نمی‌گیرد و نقشی در دفع قتل ندارد، اما در مرتد ملی استتابه می‌شود اگر توبه کرد دیگر کشته نمی‌شود، اگر توبه نکرد کشته می‌شود. این احکام ارتداد است. اما اینکه حقیقت ارتداد چیست و دلایل این مسئله چیست اموری است که دوره‌های اخیر بسیار محل بحث قرارگرفته است، انشا الله به آن بحث خواهیم رسید.

## مسکر در نزد مسلمین

اصل مسکر قدر متیقن آن چیزی است که هم قرآن بر آن دلالت دارد، هم مورد اتفاق مسلمین است و هیچ‌کسی در اینکه این ضروری است تردیدی ندارد. هرچند در تفاصیل و جزئیات بدین نحو ضروری نیست.

### لواحق احکام مسکر

### انواع شارب خمر

در مسئله دوم در لواحق احکام مسکر این فرع مطرح است که شارب خمر بر دو نوع است؛ گاهی است فرد حرمت شرب را قبول دارد اما از او عصیان سرمی زند که برای این موارد متعددی وجود دارد، اما اگر کسی آن را به‌عمد باوجود علم به تحقق عصیان در قبال شرب آن، آن را استحلال کند، اگر برنگردد به انکار نبوت مثل امام اشکالی ندارد و قتل در آن نیست، اما اگر برگردد قتل دارد.

### حکم شارب مستحل

اینجا برخلاف قواعد عمومی ارتداد که بین مرتد فطری و ملی تفصیل است، به‌اتفاق می‌گویند که از او می‌خواهند توبه کند حتی اگر مرتد فطری باشد. از او می‌خواهند توبه کند و بین مرتد فطری و ملی در اینجا فرقی نیست و اگر توبه کرد، دیگر کشته نمی‌شود اما اگر توبه نکرد کشته خواهد شد.

### اقوال در این مقام

این‌یک قول است که بین قدما بسیار اشتهار داشته است. یعنی شیخ مفید، شیخ طوسی و بسیاری از کسانی که از این بزرگان تبعیت کردند، به همین قول تمایل داشتند. که در اینجا به‌قاعده کلی ارتداد استثنا خورده است. یعنی مقداری سهل گرفته‌شده است. این قول اول است که بیشتر قول قدما بوده است و بعضی در متأخرین هم مانند حضرت امام به این تمایل پیدا کردند.

### قول دوم

قول دوم قولی است که مثل صاحب شرایع و ظاهراً آقای خویی و فاضل به آن تمایل پیدا کردند که در اینجا گفته می‌شود بین این موارد با موارد دیگر ارتداد فرقی وجود ندارد.

این دو قولی است که در اینجا آمده است، باید ببینیم ادله در اینجا چه را اقتضا می‌کند؟ قول دوم دلیلی نمی‌خواهد. دلیل خاص نمی‌خواهد، چون علی‌القاعده گفته‌شده است.

### مستند قول اول

برای قول اول چند دلیل ذکرشده است؛

### روایت اول

دلیل اول روایتی است که در همین جلد هیجده، ابواب حد مسکر، باب دو، حدیث اول، صفحه چهارصد و شصت‌وپنج ذکرشده است. این روایت از ارشاد مرحوم شیخ مفید نقل‌شده است، البته روایت سند چندانی ندارد؛

**«مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُفِیدُ فِی الْإِرْشَادِ قَالَ رَوَتِ الْعَامَّةُ وَ الْخَاصَّةُ أَنَّ قُدَامَةَ بْنَ مَظْعُونٍ شَرِبَ الْخَمْرَ- فَأَرَادَ عُمَرُ أَنْ یحُدَّهُ- فَقَالَ لَا یجِبُ عَلَی الْحَدُّ إِنَّ اللَّهَ یقُولُ لَیسَ عَلَی الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ جُناحٌ- فِیما طَعِمُوا إِذا مَا اتَّقَوْا وَ آمَنُوا - فَدَرَأَ عَنْهُ عُمَرُ الْحَدَّ- فَبَلَغَ ذَلِک امیرالمؤمنین ع فَمَشَی إِلَی عُمَرَ- فَقَالَ لَیسَ قُدَامَةُ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الْآیةِ- وَ لَا مَنْ سَلَک سَبِیلَهُ فِی ارْتِکابِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ- إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ- لَا یسْتَحِلُّونَ حَرَاماً- فَارْدُدْ قُدَامَةَ فَاسْتَتِبْهُ مِمَّا قَالَ- فَإِنْ تَابَ فَأَقِمْ عَلَیهِ الْحَدَّ- وَ إِنْ لَمْ یتُبْ فَاقْتُلْهُ فَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْمِلَّةِ- فَاسْتَیقَظَ عُمَرُ لِذَلِک وَ عَرَّفَ قُدَامَةَ الْخَبَرَ- فَأَظْهَرَ التَّوْبَةَ وَ الْإِقْلَاعَ- فَدَرَأَ عَنْهُ الْقَتْلَ وَ لَمْ یدْرِ کیفَ یحُدُّهُ- فَقَالَ لِعَلِی ع أَشِرْ عَلَی- فَقَالَ حُدَّهُ ثَمَانِینَ جَلْدَةً- إِنَّ شَارِبَ الْخَمْرِ إِذَا شرب‌ها سَکرَ وَ إِذَا سَکرَ هَذَی- وَ إِذَا هَذَی افْتَرَی فَجَلَدَهُ عُمَرُ ثَمَانِینَ جَلْدَةً»[[2]](#footnote-2)**

### تقریر استدلال فوق

او گفت حدی بر من نیست و بر این آیا شریفه استدلال کرد که؛ مشکلی بر مؤمنان و کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، نیست در آنچه می‌خورند، اگر تقوا و ایمان را پیشه کنند. او این‌طور از این آیه استفاده کرد که طعام به معنی طعام و شرب هر دو است، اعم گرفت از طعام و شرابی که حلال باشد و حرام باشد. می‌گوید حتی حرام هم باشد، مشمول آیه است.

این قصه به گوش امیرالمؤمنین (ع) رسید حضرت پیش عمر آمد، فرمود: آیه شامل طعام حرام نمی‌شود. و آن‌وقت حضرت می‌فرماید قدامه را برگردان از او طلبه توبه کن، قدامه مرتد فطری است. درواقع این ذیل قرینه می‌شود که منظور قدامه این بوده که من از این آیه می‌فهمم این گناه نیست. وقتی فهمید کار خیلی مشکل شد، گفت من توبه می‌کنم و دست برمی‌دارم.

### روایت دوم

روایت دوم در همین باب سوم، حدیث پنجم است.

**«یونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع الْحَدُّ فِی الْخَمْرِ إِنْ شُرِبَ مِنْهَا قَلِیلًا أَوْ کثِیراً قَالَ ثُمَّ قَالَ أُتِی عُمَرُ بِقُدَامَةَ بْنِ مَظْعُونٍ وَ قَدْ شَرِبَ الْخَمْرَ وَ قَامَتْ عَلَیهِ الْبَینَةُ فَسَأَلَ عَلِیاً ع فَأَمَرَهُ أَنْ یجْلِدَهُ ثَمَانِینَ فَقَالَ قُدَامَةُ یا امیرالمؤمنین لَیسَ عَلَی حَدٌّ أَنَا مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الْآیةِ لَیسَ عَلَی الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ جُناحٌ فِیما طَعِمُوا قَالَ فَقَالَ عَلِی ع لَسْتَ مِنْ أَهْلِهَا إِنَّ طَعَامَ أَهْلِهَا لَهُمْ حَلَالٌ لَیسَ»‌[[3]](#footnote-3)**

در این سند محمد بن عیسی وجود دارد و دارای مشکل خواهد بود اما سایر سندها که از او خالی است، معتبر است.

### مناقشه در دلیل فوق

استدلال به این روایت از چند جهت محل مناقشه است. یک‌جهت این است که روایت اول از سند متقنی برخوردار نبود و روایت دوم که از سند معتبری برخوردار است، از بحث استتابه دران سخنی وجود ندارد. در اینکه مراد قدامه از استدلال به آیه بیان‌شده چه بوده است؟ سه احتمال وجود دارد.

### احتمالات در استدلال قدامه

در استدلال قدامه به آیه شریفه سه احتمال اینجا وجود دارد. یک احتمال این است که قدامه می‌خواهد به این آیه تمسک بکند، برای اینکه شرب مسکر حرام نیست. یک احتمال وجود دارد که او نمی‌خواهد با این آیه تمسک کند برای اینکه شرب مسکر حرام در اینجا حد ندارد. یک احتمال این است که به استناد این آیه نه حرمتش را انکار می‌کند، نه ثبوت حد را انکار می‌کند.

### اتخاذ مبنا

به نظر می‌رسد که در اینجا همان احتمال اول صحیح باشد؛ یعنی او شرب خمر را حلال شمرده و مرتد شده است. اما در روایت دوم اسمی از این بحث‌ها و تعیین یکی از این احتمالات نیست و بیشتر هم ذهن به سمت این می‌رود که چیزی را حلال نشمرده است، می‌خواهد بگوید، من معفو هستم یا حد بر من جاری نیست. این جوابی است که از این بحث داده شد.

منتها جوابی که می‌شود داد این است که این قصه به شکل دیگری در روایت معتبر آمده است و در آن روایت بحث را به ارتداد نسبت نداده است. این جواب را مثل آقای فاضل قبول کردند و طبق قواعد هم باید این جواب قبول بشود. چون آن روایتی که دلالت بر بحث ارتداد می‌کند، سندی ندارد. روایتی هم که سند دارد و این قصه را نقل می‌کند، بحث ارتداد درباره آن مطرح نیست.

### تأیید نظریه حضرت امام

اما در اینجا موانعی برای پذیرش استدلال فوق وجود دارد که مبنای حضرت امام را تقویت می‌کند؛

نکته اول این است که شیخ مفید در ابتدای روایت می‌گوید: این روایت را عامه و خاصه نقل کرده‌اند، لذا معلوم می‌شود روایت دارای اسناد متعددی است، ثانیاً مفاد روایت باقاعده درع تطابق دارد. لذاست که تعبیر امام نیز در این رابطه تعبیر به اشبه است یعنی فتوایی است که خیلی به احتیاط واجب نزدیک است. و سوم اینکه این قول مشهور بین قدما است. شهرت هرچند به‌تنهایی نمی‌تواند مورد استدلال قرار گیرد اما در این‌گونه موارد می‌تواند مؤیدی به‌حساب آید.

1. تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحدود؛ ص: 475 [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشیعة؛ ج 28، ص: 220 [↑](#footnote-ref-2)
3. الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 215 [↑](#footnote-ref-3)